

روش کشف احکام از طریق استقراء

دکتر محمد علی خیراللهی*

چکیده:

استقراء عبارت از جستجو در میان جزئیات برای دستیابی به یک حکم کلی است. آیا از روش استقراء می‌توان به کشف احکام پرداخت؟ استقراء کلام فقها خود دارای اثراتی است که اجماع این اثر را ندارد به عنوان مثال فقیه با ملاحظه تعداد زیادی از احکام مربوط به عذر چنین می‌یابد در احکامی که شخص مکلف در آن معذور بوده و عذر او پذیرفته شده است دارای منشاء جهل می‌باشد و لذا به این نکته دست می‌یابد که جهل صفت مشترک بین تمام موارد عذر است. میرزای قمی از استقراء به عنوان یکی از ضرورت‌های تتبع نام می‌برد و احتمال اشتباه و خلط احکام را برای یک فقیه؛ استقراء نکردن و تمام وسع خود را به کار نبردن می‌داند اگر استقرایی که در فقه می‌خواهد برای کشف احکام مورد استفاده قرار بگیرد از نوع استقراء ظنی باشد به کارگیری آن در فقه جایز نیست.

کلید واژه‌ها: استقراء، کشف حکم، فقه، ظن، حجیت.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

M09111125032@gmail.com

مقدمه:

به نام خداوندی که احکام شریعت را برای رهیابی بشریت قرار داد. درود و تحیت بر رسول مکرم اسلام و خاندان پاکش. برای دستیابی به یک نتیجه در منطق سه مسیر و روش در نظر گرفته شده است روش اول قیاس و آن عبارت از تنظیم و در نظر گرفتن صغری و کبری برای دستیابی به نتیجه است. راه دوم عبارت از تمثیل است که آن به وسیله ایجاد وسیله در نظر گرفتن شباهت‌ها بین مشبه و مشبه به؛ به نتیجه مطلوب دست پیدا می‌کنند و راه سوم که در منطق بدان پرداخته شده استقراء می‌باشد که تعریف آن خواهد آمد. اصولاً استقراء عبارت از جستجو در میان جزئیات برای دستیابی به یک حکم کلی است که در علوم طبیعی از آن بهره‌های فراوان برده می‌شود. مثال مشهوری که در کتب منطق بدان اشاره می‌شود معمولاً در خصوص زندگی حیوانات و یا کیفیت گیاهان است. به عنوان نمونه آمده است که با بررسی میان انواع حیوانات مشاهده می‌گردد که تمام حیوانات هنگام جویدن غذا فک پایین خود را حرکت می‌دهند و فک بالا ثابت است. و نتیجه‌گیری می‌کنند که حیوانات هنگام غذا خوردن فک زیرین خود را حرکت می‌دهند. این مثال بسیار کوچکی از حرکت‌های علمی گسترده در جهت استقراء می‌باشد. و اصولاً عنوان شده است تمامی قیاسات اقترازی مبتنی بر استقراء است و دقیقاً هیچ کبرایی در یک قیاس نیست که روش کشف آن کبری استقراء نباشد. از آنجا که این مباحث دامنه گسترده‌ای دارد و خود فرصت مناسب می‌طلبد ما بدان توجهی نداریم اما آنچه که به عنوان سؤال در این مقاله مورد توجه ماست این نکته می‌باشد که برای کشف احکام شریعت آیا روش استقراء مورد توجه فقه‌های قدیم و جدید بوده است و آیا اصولاً از روش استقراء می‌توان به کشف احکام پرداخت؟ این سوالی است که ما با توجه به روش فقیهان بدان پرداخته و در مقام پاسخ‌گویی به آن می‌باشیم و اصولاً برای پاسخ‌گویی به این سؤالات بهترین روش بررسی کتب فقها و ذکر مصادیق عملی برای استقراء می‌باشد.

برای بیان مفهوم استقراء ما به لغت و عبارات گوناگون در این خصوص مراجعه می‌کنیم در بحث لغت مرحوم دهخدا به قدر کفایت در این خصوص سخن گفته است. ایشان از منتهی‌الأرب نقل کرده‌اند که استقراء را به معنی جستن در شهرها و گردیدن در آن معنی کرده و نیز از قیاس اللغه سخن گفته است که او نیز تلاش و جستجو کردن را معنی استقراء دانسته است. و بار دیگر نیز از منتهی‌الأرب جستجوی بسیار و بررسی همه موارد جزئیات را به عنوان معنی استقراء در نظر گرفته است. ایشان این لغت را در اصطلاح منطق بدین صورت معنی کرده است شناختن شیء به وسیله شناخت تمام اشخاص آن و یا اثبات حکم کلی به وسیله ثبوت آن حکم در جزئیات آن کلی و یا به عبارت دیگر از حال جزئیات پی به حال کلی آنها بردن. دهخدا براساس تعابیر منطقیین استقراء را به دو صورت استقرای تام و استقرای ناقص تقسیم کرده است. استقرای تام؛ اثبات حکم کلی به وسیله آن حکم در تمام جزئیات است و استقراء ناقص اثبات حکم کلی به وسیله آن حکم در اکثر جزئیات می‌باشد. ایشان از قول صاحب اساس‌الاعتباس بیان می‌کنند که استقراء ناقص در مباحث جدلی بسیار کاربرد دارد و بیان استقراء در جدلیات به عنوان ادعای حذف جزئیات می‌باشد. ولیکن استقراء ناقص در مباحث برهانی اگر مطرح گردد جنبه مغالطه آمیز پیدا می‌کند. در هر صورت استقراء به عنوان یکی از روش‌های رسیدن به نتیجه معرفی شده است. (دهخدا، ۱۳۷۵)

و زبیدی نیز در بیان مفهوم استقراء عنوان نموده است که این واژه از ریشه قرأ دریافت شده که همان قصد کردن و به دنبال آن گشتن است که با معنی تتبع همگام می‌باشد و آن به منزله این است که کسی به سیر در زمین پردازد و مکانهای مختلف را جستجو کند تا به مطالب مختلف دست یابد. (الزبیدی، ۱۹۹۵، ج ۱۰، ۲۹۲)

غیر از بحث لغوی استقراء؛ فقها و اصولیین نیز به بیان مفهومی استقراء پرداخته‌اند. محقق نراقی در عوائد خویش به مفهوم استقراء اشاره نموده است که اگر فقها و اصولیین در کلمات خود به واژه استقراء تعبیر می‌نمایند مقصود این است که جستجوی احکام وارده در اخبار ائمه اطهار و یا کلمات علمای ابرار به عنوان مورد استقراء می‌باشد. براین اساس ایشان عنوان می‌کنند که اگر فقها به بیان استقراء می‌پردازند درواقع محصول آن جستجوی احکامی است که در روایات و یا

عبارات فقها آمده است و به این ترتیب خود به دو نوع استقراء تام و ناقص می‌تواند تقسیم گردد.
(النراقی، ۱۳۶۹، ۷۹)

۲- تفاوت استقراء با اجماع

یکی از سؤالاتی که در این مباحث می‌تواند مورد طرح قرار گیرد این است که میان اجماع و استقراء چه تفاوتی وجود دارد آیا اینکه شما عنوان می‌کنید فقهای ما به استقراء عبارات و کلام فقها می‌پردازند آیا این همان اجماع نیست که در کتب فقه و اصول بدان توجه شده است؟ در پاسخ عنوان می‌کنیم میان استقراء و اجماع تفاوت وجود دارد آن گونه که از اجماع مشهور است اتفاق نظر فقها در یک مطلب شرعی می‌باشد و اینکه فقهای یک عصر در برهه‌ای از زمان بر یک موضوع فقهی اتفاق نظر داشته باشند اما استقراء دقیقا به معنی جستجوی کلمات فرد فرد فقها در یک مطلب می‌باشد و اصولا استقراء بررسی جزئیات را گویند در حالیکه اجماع توجه به کل و اتفاق نظر کل می‌باشد. برای تبیین بیشتر این نکته می‌توان به کلام شهید ثانی در مسالک توجه نمود. ایشان در مبحث محال بودن تکلیف شخص خوابیده و شخص نائم و غافل و مانند آن به نکته‌ای اشاره می‌کنند که می‌تواند تأیید کننده سخن ما باشد. ایشان عنوان می‌کنند که محال است شخص نائم و غافل مکلف به حکمی باشد و این نکته که به نائم و غافل تکلیف تعلق نمی‌گیرد سخنی است که اصحاب ما بدان تصریح نکرده‌اند اما استقرای کلام فقها بلکه اجماع فقها بر این مطلب می‌باشد. (الشهید الثانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۴۵)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد شهید ثانی برای اثبات سخن خویش به این نکته اشاره می‌کند که اگر ما کلام فقها را استقراء نماییم بلکه اجماع آنان را هم مورد توجه قرار دهیم مشاهده می‌کنیم که آنها تکلیف نائم و غافل را محال می‌دانند. در سخن شهید ثانی استقرای کلام و اجماع به صورت دو امر متمایز مورد توجه قرار گرفته است و دقیقا استقرای کلام با اجماع جدا شده است. بر این اساس استقراء کلام فقها خود دارای اثراتی است که اجماع این اثر را ندارد و نیز اجماع دارای نتیجه‌ای است که استقراء آن نتیجه را ندارد.

۳- روش استقراء در فقه

در واقع پرسشی که در مبحث ما مورد توجه قرار می‌گیرد این نکته است که اگر بپذیریم به وسیله استقراء بتوان به کشف احکام شریعت پرداخت؛ روشی که از این ابزار به عنوان یک روش قابل اعتماد در کشف احکام بتوان استفاده نمود چیست؟ از این پرسش مرحوم صدر چنین پاسخ می‌دهد مقصود از استقراءیی که ما بدان توجه داریم این است که فقیه در بررسی‌های خود عددکبیر و زیادی از احکام را مورد ملاحظه قرار دهد و بعد از اینکه این احکام را مورد دقت قرار داد چنین بیابد که در حالت واحد همه آنها مشترکاتی با یکدیگر دارند. به عنوان مثال فقیه به ملاحظه تعداد زیادی از احکام مربوط به عذر گشته و چنین یابد که اصولاً احکامی که شخص مکلف در آن معذور بوده و عذر او پذیرفته شده است جهل می‌باشد. و در اموری که شارع عذر شخص مکلف را پذیرفته است جاهل بودن او مورد توجه قرار گرفته به این نکته دست می‌یابد که جهل صفت مشترک بین تمام موارد عذر می‌باشد بنابراین می‌تواند به این نکته دست یابد و چنین نتیجه‌گیری کند که مناط و ملاک در معذرت یک امر همان جهل است با این استقراء او می‌تواند یک حکم کلی و قابل تعمیم را بیان کند و عنوان کند در هر جایی که جهل مکلف وجود داشته باشد در آن امر مبحث معذور بودن مکلف می‌تواند مطرح گردد. (الصدر، ۱۴۰۶، ج ۱، ۲۲۶)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد مرحوم صدر با بیان این مثال به روش کشف احکام از طریق استقراء مثال قابل توجهی را مطرح نموده است و مواردی هم که در مباحث آتی و مصادیق کشف احکام از طریق استقراء بیان نموده‌ایم در واقع مثال‌هایی از نوع مثال بیان شده توسط مرحوم صدر می‌باشد. مرحوم خوبی نیز در بیانات خود به مثال دیگری توجه می‌نماید به این ترتیب که ما اگر مواردی که در آن دوران امر بین وجوب و حرمت است را مورد تتبع قرار دهیم و در احکام شریعت به بررسی بپردازیم به این ترتیب که در یک امر اگر مبحث واجب یا حرمت مطرح شود و آن را مورد استقراء قرار دهیم چنین می‌یابیم که شارع عموماً جانب حرمت را بر جانب وجوب مقدم کرده است. (الفیاض، ۱۴۱۰، ج ۴، ۴۰۶)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد مرحوم خوبی از روش استقراء برای بیان و در واقع مثالی از کشف احکام شریعت در مبحث دوران امر بین وجوب و حرمت استفاده نموده است.

۴- ضرورت استقراء از دیدگاه اصولیین

آنچه که در علم اصول به عنوان روش‌های کشف احکام شریعت مورد توجه قرار می‌گیرد موارد مشخصی است اما سؤالی که مطرح می‌گردد این است که جایگاه استقراء در منظر اصول دین به چه طریقه‌ای است؟ میرزای قمی از استقراء به عنوان یکی از ضرورت‌های تتبع نام می‌برد و احتمال اشتباه و خلط احکام را برای یک فقیه؛ استقراء نکردن و تمام وسع خود را به کار نبردن می‌داند ایشان در این خصوص عنوان می‌کند: برای اینکه یک فقیه هرگونه احتمال اشتباه را از میان ببرد و میان احکام شریعت خلطی ایجاد نکند باید با تمام وسع خویش به جستجوی احکام پرداخته و استقرای تام را در این زمینه اعمال کند. تا این که هرگونه وهم و قرینه‌های احتمالی را از خود دور نموده و احتمال وجود قرینه را مورد نظر قرار دهد. (میرزاالقمی، بی‌تا، ۱۴)

مرحوم بروجردی نیز در حاشیه خود بر کفایه به استقراء توجه نموده است و اینکه در صورتی که استقراء بتواند فقیه را در تحقیقات خود به قطع برساند می‌تواند به عنوان ابزار کاربردی مورد توجه قرار گیرد و ایشان در این خصوص عنوان می‌کنند: ما دلیلی بر اعتبار استقراء نداریم مگر اینکه ما را به قطع برساند. (البروجردی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۴۱)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد مرحوم بروجردی به استقراء از جانب تردید نگریسته و در صورتی که بتواند برای انسان قطعی به ارمغان آورد آن را مورد پذیرش قرار می‌دهد.

۵- کاربرد استقراء در فقه

یکی از مباحثی که در استقراء مورد توجه قرار می‌گیرد صحت کاربرد آن در فقه می‌باشد به این ترتیب که آیا می‌توان از روش استقراء برای دستیابی به احکام شریعت استفاده نمود. در این خصوص محقق نراقی عنوان می‌کند اگر استقرایی که در فقه می‌خواهد برای کشف احکام مورد استفاده قرار بگیرد از نوع استقراء ظنی باشد به کارگیری آن در فقه جایز نیست و در واقع حجت نمی‌باشد. (النراقی، ۱۳۶۹، ج ۳، ۳۶۵)

همان گونه که محقق نراقی عنوان می‌کند استقراء ظنی در فقه حجت نیست و در واقع سخن ایشان به این نکته برگشت می‌کند که استقراء ناقص که عبارت از بررسی برخی از افراد مورد حکم

است حجت نمی‌باشد که در منطق نیز این نکته ثابت شده است که استقراء ناقص نمی‌تواند انسان را به یقین برساند بلکه تنها استقراء تام موجب یقین است. در فقه نیز صرف بررسی برخی از افراد مشمول حکم برای دستیابی به احکام برای شخص محقق نمی‌تواند حجت باشد و لذا استقراء ظنی که همان استقراء ناقص است در فقه جایگاهی نداشته و تنها استقراء تام می‌تواند موجب حجیت گردد. اما در هر صورت از این جمله محقق نراقی می‌توان این نکته را دریافت نمود که اصل استفاده از روش استقراء در فقه به عنوان امری مطلوب و پسندیده می‌باشد و این گونه نیست که به طور کل از حجیت و عدم کاربرد برخوردار باشد. اینکه استقراء در فقه از کاربرد بالایی برخوردار است به عنوان امری مسلم نزد فقها و تمام محققین می‌باشد و حتی برای کشف احکام؛ مبحث استقراء به میان اخبار و روایات نیز کشیده شده و بررسی جزئیات اخبار به عنوان روش استقرایی مورد توجه بوده است که به عنوان مثال به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

الف. انتقال نجاست

صاحب جواهر براساس استقراء اخبار نجاسات به این حکم دست پیدا نمود که هر شیء نجسی که رطوبت داشته باشد و با شیء پاک برخورد کند آن شیء پاک نجس می‌گردد و یا بالعکس شیء نجس خشک باشد و آن شیء ملاقی به صورت مرطوب بوده باشد که در این صورت نیز نجاست منتقل می‌گردد. (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۱۶)

اگرچه ظاهر این سخن به عنوان امری ساده جلوه‌گر است اما اگر دقت گردد به این نکته دست می‌یابیم که صاحب جواهر برای دریافت این قاعده فقط یک نوع و یک دسته از روایات به عنوان روایات مورد حکم توجه نکرده است بلکه به مجموعه اخبار نجاسات در تمام انواعی که وجود دارد رجوع نموده و براساس روش استقراء تمامی جزئیات را مورد توجه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند و این تنها از روش استقراء قابل انجام است و روش بررسی در یک سری از اخبار به این نتیجه‌گیری منجر نمی‌گردد.

ب. پاک شدن آب قلیل

یکی از مباحثی که در کتب فقهی برای کشف آن از طریق استقراء عمل شده است روشی است که محقق حلی در رسائل خود بیان نموده. ایشان در بیان پاک بودن آب قلیل در صورت

اتصال به جاری به بیان این نکته پرداختند که برای کشف این حکم می‌توان از طریق استقراء عمل نمود. ایشان عنوان می‌کنند: اگر ما به کتب فقها مراجعه نموده و این مطلب را از میان کتب اصحاب مورد استقراء قرار دهیم آنان را به سه دسته می‌توانیم تقسیم نماییم دسته اول کسانی هستند که فتوا به طهارت می‌دهند و گروه دوم نسبت به این امر ساکت بوده و گروه سوم مردد بین طهارت و نجاست هستند. اما در هر حال از آنجا که اکثر اصحاب به پاک بودن آب قلیل بر اثر اتصال به جاری حکم کرده‌اند و یا در صورتی که آب قلیل به طریقی آب کر بر آن ریخته شود حکم به نجاست آن می‌توان نمود. (محقق حلی، ۱۴۱۳، ۶۱)

همانگونه که ملاحظه می‌گردد محقق حلی برای کشف این حکم که آیا آب قلیل در اثر ملاقات با آب کر پاک می‌گردد به استقراء و جستجوی کلمات اصحاب پرداخته و بعد از این استقراء مشاهده نموده است که اکثر اصحاب با فتوا به این قضیه که آب قلیل به وسیله ملاقات با آب کر پاک می‌گردد و نیز در صورتی که آب کر بر آب قلیل ریخته شود منجر به پاکی آن می‌شود حکم به پاک شدن آب قلیل در این موارد نمودند.

ج - حکم مشتبه

یکی دیگر از مواردی که فقها در کشف آن از استقراء استفاده نموده‌اند تعبیری است که صاحب حدائق در تقارن میان مشتبهات به نجاست مطرح کرده است. توضیح مقدماتی این که برخی از مواقع اموری به نجاست و حرام مشتبه می‌شوند و انسان نمی‌داند که آیا این شیء واقعاً نجس است یا نه؟ و یا این که این مال به صفت حرمت متصف شده است یا نه؟ برای پاسخ به این شبهه صاحب حدائق به استقراء موارد دست زده و عنوان نموده است آنچه که از استقراء احکام شریعت در خصوص شبهات به دست می‌آید این است که شارع مشتبهات به نجاست و حرام را حکمی مانند همان حکم نجس و حرام اعطاء کرده است به این معنی که اگر امری برای انسان مشتبه گشت که آیا نجس است و یا حرام می‌باشد؛ آنچه که ما به وسیله استقراء به دست آورده‌ایم این است که شارع آن را نجس و یا حرام تلقی نموده و همان حکم را بدان اعطاء کرده است. و مثالی که صاحب حدائق می‌آورند این است که ما در احکام شریعت ملاحظه نموده‌ایم که ملاقی نجس در صورتی که بعضی از اجزای لباس به نجاست آلوده گردد و اشتباهی صورت پذیرد و



ندانیم چه قسمتی از لباس نجس شده است دستورات شریعت چنین صادر گشته که کل لباس باید شسته شود بنابراین حکم مشتبه به نجس و حرام دارای همان حکم نجس و حرام می‌باشد. (البحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۵۱۳)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد محقق بحرانی برای کشف این حکم به استقراء دست زده است و در واقع این استقراء بوده و موجب گشته است تا تقارن میان مشتبهات را به دست آورده و حکم مشتبه به نجس و حرام را دارای همان حکم نجس و حرام بداند بنابراین استقراء موجب کشف این حکم گشته است.

د- نیت

یکی از احکامی که در فقه به آن توجه گشته این مسئله است که جایگاه نیت در افعال و اعمالی که شخص مکلف بدان مبادرت می‌ورزد و مباشرتاً بدان ارتکاب می‌کند یعنی خود به تنهایی بدان عمل می‌پردازد چگونه است؟ به این ترتیب که نیت در اعمال عبادی در چه مواردی صورت می‌پذیرد شیخ انصاری در مبحث طهارت خویش عنوان می‌کند آنچه که ما به وسیله استقراء از احکام شریعت دست یافته‌ایم این است هر فعلی که مباشرت در آن واجب باشد نیت در آن فعل نیز واجب می‌باشد. (الشیخ الانصاری، ۱۴۲۵، ج ۲، ۹۱)

شیخ انصاری با استقراء در اعمال و رفتار عبادی مکلفین که در شریعت بیان گشته است به این نکته دست یافته‌اند هر آنجا که شخص مکلف مباشرتاً فعل است و خود آن فعل را انجام می‌دهد نیت در آن به عهده اوست و این به دست نیامد جز از طریق استقراء و جستجوی احکام شریعت بر این اساس استقراء چنین نتیجه می‌دهد که در مواردی که شخص خود مباشرتاً نباشد بلکه شخص دیگری عمل عبادی را انجام می‌دهد؛ نیت آن فرد معتبر است و نه نیت کس دیگر. بنابراین شخص بیماری که مطلقاً نمی‌تواند حرکتی انجام دهد و شخصی او را وضو می‌دهد مباشرتاً این فعل که وضو داده است او باید نیت کند و به جنبه احتیاط خود بیمار نیز نیت خواهد نمود بنابراین این قاعده کلی هر فعلی که در آن مباشرت وجود دارد نیت هم به همراه مباشرت در فعل می‌آید از احکامی است که به وسیله استقراء توسط شیخ انصاری به دست آمده است.

ر) تزکیه حیوانات

یکی از سؤالاتی که در مبحث تزکیه حیوانات مطرح می‌شود این است که چه نوع از انواع حیوانات قابلیت تزکیه دارند؟ در توضیح این سؤال می‌توانیم چنین بگوییم که حیوانات به دو دسته عمومی تقسیم می‌گردند: حیواناتی که به عنوان خوردن؛ تزکیه و حلال می‌گردند و حیواناتی که حرام گوشت می‌باشند و تزکیه موجب حلال شدن آنان نمی‌شود مانند گرگ. در مبحث تزکیه سخن از خوردن حیوان نیست و بلکه سخن از این است که اگر حیوانی قابلیت تزکیه پیدا کند اگرچه قابل خوردن نباشد اما پوست او پاک بوده و قابل استفاده است به عنوان مثال می‌توانیم بگوییم مثلاً خرگوش اگرچه قابل خوردن نباشد اما اگر به صورت شرعی ذبح گردد پوست آن قابل استفاده است و بسیاری از حیوانات دیگر مانند آن. بنابراین سؤالی که در اینجا مورد نظر است این نکته می‌باشد که چه نوع از انواع حیوانات قابلیت تزکیه دارند مرحوم همدانی در کتاب ارزشمند خود در پاسخ به این سؤال از استقراء کمک گرفته و پاسخ می‌دهد اگر در قبول تزکیه یک حیوان شک نماییم و ندانیم که این حیوان مشخص قابلیت تزکیه دارد یا نه می‌توانیم به وسیله استقراء این قاعده را به دست آوریم که هر حیوانی قابلیت تزکیه دارد مگر مواردی که در شرع مورد استثناء صریح و روشن قرار گرفته است. (الهمدانی، بی تا، ج ۱، ۶۵۶)

ایشان برای دریافت این قاعده که براساس آن عنوان می‌کند هر حیوانی قابلیت تزکیه دارد مگر حیوانات استثنا شده در شریعت مانند سگ و خوک. روشی که مرحوم آقا رضا همدانی بدان تمسک می‌جویند استقراء می‌باشد تا بدین وسیله با شمارش موارد تزکیه‌ای که در شرع بیان گشته است به این قاعده کلی دست یافتند و در واقع استقراء روشی مناسب در نظر ایشان برای کشف این حکم شریعت می‌باشد.

س) اشاره فرد لال

یکی از احکامی که در کتاب قضا مورد توجه قرار می‌گیرد این است که سوگند شخص لال به چه وسیله تصدیق می‌گردد و اصولاً به چه طریقی می‌توان شخصی که نمی‌تواند سخن بگوید را به سوگند آورد؟ محقق آشتیانی در مباحث خویش به این نکته توجه نموده است و آن را به وسیله استقراء به نتیجه رسانده و عنوان کرده است آن‌چه که ما از استقراء قطعی در مباحث فقهی

به دست می‌آوریم این است که آنچه که شارع مقدس از شخص لال در تمام اموری که از او صادر می‌گردد از عقود، قرائت و غیره پذیرفته و بدان اکتفاء کرده است در تمام این امور اشاره‌ای که مفهم بوده و نظر شخص لال را برساند مورد پذیرش قرار داده است و اشاره مفهم را به منزله کلام و قول پذیرفته است. بنابراین می‌توانیم عنوان کنیم که در مبحث سوگند نیز اشاره شخص لال به سوگند می‌تواند به عنوان سوگند قابل قبول در نزد قاضی مورد پذیرش قرار گیرد. (الآشتیانی، ۱۴۰۴، ۱۷۸)

آنچه از بیان مرحوم آشتیانی دریافت می‌گردد این است که استقراء موجب گشته است تا با بررسی حالات شخص لال در احکام شریعت به یک قاعده و قانون کلی دست یابیم و آن قاعده و قانون کلی چنین است که اشاره شخص لال به جای سخن و کلام از او پذیرفته می‌شود و اشاره مفهم که بتواند مقصود شخص لال را بیان کند به عنوان نتیجه‌ای است که از استقراء احکام شریعت کشف گشته و این حکم به دست می‌آید.

ط) شکار

یکی دیگر از فروع فقهی که برخی از فقها به صورت استقراء به کشف حکم آن پرداخته‌اند مبحث شکار می‌باشد. محقق نراقی بار دیگر نیز برای کشف حکم شرعی خویش از روش استقراء بهره جسته است ایشان در این خصوص عنوان می‌ند اگر ما به استقراء و تتبعی در نصوص در خصوص شکار بپردازیم می‌یابیم که حلیت صید حیواناتی که قابلیت شکار دارند به صید نمودن و شکار آنها وابسته است و حرمت این حیوانات نیز به موت آنان در صورت عدم صید وابستگی دارد به این ترتیب که اگر شخصی قدرت بر دستیابی به یک حیوان داشته باشد و از دست یابی به آن و صید و شکار آن خودداری کند و آن حیوان بمیرد این حیوان حرام شده اما در صورتی که به شکار اقدام کند و یا خود مستقیماً به ذبح آن بپردازد موجب حلیت است. براین اساس اگر شخص پس از شکار مشاهده نمود که می‌تواند به حیوان دسترسی پیدا کند و آن را ذبح شرعی نماید از این عمل خودداری کند موجب حرمت حیوان شده و آن حیوان دیگر بر او حلال نیست. (النراقی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ۳۵۷)

محقق نراقی بر اساس استقراء و نظرات فقها به این حکم شرعی دست پیدا نموده است و از

مسیر اجماع برای دستیابی به حکم شرعی استفاده نکرده.

ع) استناد به خبر عادل

یکی از مباحثی که از استقراء به دست آمده استناد به خبر عادل می‌باشد. محقق نراقی از این روش در کشف حکم استفاده نموده و در مبحث روزه بدان توجه کرده است. ایشان عنوان می‌نماید در خصوص خبر از طلوع فجر برای تمام نمودن خوردن و آشامیدن هنگام سحر راه‌های متعددی وجود دارد اول اینکه شخص خود یقین پیدا کند که هنگام فجر صادق رسیده و لذا باید از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات روزه خودداری کند. روش دیگر خبر دادن دو شخص عادل به طلوع فجر است اما اینکه بخواهیم به سخن یک فرد عادل اعتماد کنیم برای طلوع فجر بعید نیست که بدان توجه نماییم و اگر هم شخصی عنوان کند که در جای جای فقه سخن یک فرد عادل به عنوان حجت شرعی مورد توجه قرار نگرفته است عنوان می‌کنیم که چنین استقرایی ثابت نشده و این که شخصی بخواهد براساس استقراء تمام موارد را جستجو نماید که به هیچ وجه سخن یک فرد عادل مورد توجه نیست چنین حالتی رخ نداده است و لذا می‌توان سخن یک فرد عادل را هم در طلوع فجر مورد توجه قرار داد. (همان، ج ۱۰، ۲۸۴)

مقصود محقق نراقی از طرح این بحث چنین می‌باشد که اگرچه ما می‌توانیم در مباحث خبر و طلوع فجر به سخن یک فرد اعتماد کنیم اما در هر صورت براساس اخبار معیار؛ یقین یافتن خود شخص می‌باشد و اصولاً در صورتی خبر شخص عادل برای انسان مورد اعتنا و اعتماد است که به وسیله خبر او انسان به یقین دست پیدا کند.

ف) نقصان میراث زوجه

یکی از مصادیقی که در کلمات فقها به روش استقراء به کشف آن پرداخته شده بحث نقصان میراث زوجه و محرومیت آن از زمین می‌باشد. شهید ثانی با طرح این مبحث به عنوان یکی از مصادیق استقراء عنوان نموده است: اینکه سید مرتضی به محرومیت زوجه از زمین اعتراض داشته و به اخبار و روایات وارده در این زمینه عمل نمی‌کند در واقع برگشت به دیدگاه سید مرتضی دارد که ایشان خبر واحد را حجت نمی‌داند. اما اگر ما به استقراء کلام اصحاب پرداخته و دیدگاه فقها را مورد توجه قرار دهیم مشاهده می‌کنیم که فقهای ما در این زمینه اختلاف زیادی نداشته و به

حرمت زوجه از زمین فی الجمله حکم نموده‌اند. (الشهید ثانی، ۱۳۱۳، ۲۷۱)

ک) اشتراک نذر و یمین

یکی از عناوینی که به صورت استقراء مورد کشف حکم قرار گرفته است، مبحث نذر می‌باشد. تعبیر عمومی که از نذر و سوگند به عنوان حد مشترک مطرح می‌گردد این است که در برخی مواقع شخصی عنوان می‌کند اگر خداوند توفیقی به من داد این مبلغ را در راه او هزینه کنم و نام آن توفیق را مثلاً می‌برد که یا نماز است و یا ترک معصیت و مانند آن و صورت دوم سوگند است که می‌تواند چنین باشد: سوگند به خدا اگر این معصیت را بار دیگر انجام دادم این مبلغ را در راه او هزینه کنم. بنابراین می‌توان نذر و یمین را در مورد واحد جاری کرد. صاحب جواهر سخنی از کتاب ارزشمند ریاض نقل می‌کند که ایشان نیز با توجه به این نکته عنوان نموده‌اند آنگاه که اطلاق یمین و سوگند در نذر جایز باشد و ما بتوانیم هریک را در جای دیگری اطلاق نماییم این اطلاق بنحو حقیقت است و یا مجاز. در هر دو تقدیر این که استعمال یمین در نذر به صورت حقیقت باشد یا مجاز آنچه که معتبر می‌باشد مقصود گوینده و بیان کننده نذر و یمین است زیرا بر اساس اینکه نذر را به حقیقت اطلاق نماییم می‌تواند از افراد نذر باشد و اگر هم بخواهیم یمین را بر نذر به صورت مجاز اطلاق کنیم تنها می‌توان گفت که این استعمال مجازی مشارکت در بسیاری از احکام شرعی به ارمغان می‌آورد خصوصاً اینکه ما اگر به استقراء و تتبع تامی که کاشف از احکام شرعی است بپردازیم به این نتیجه دست می‌یابیم که نذر و یمین در بسیاری از مسائل مشترک هستند و لذا گفته می‌شود که نذر همان یمین است. (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۵، ۳۶)

آنچه که از سخن صاحب ریاض فهمیده می‌شود این نکته می‌باشد که ایشان به وسیله استقراء و تتبع تام این نکته را از احکام شریعت کشف نموده‌اند که نذر و یمین در بسیاری از مسائل با یکدیگر اشتراک دارند و در واقع استقراء موجب کشف این حکم شده است که هریک را بتوان جای دیگری استعمال نمود بنابراین از دیدگاه صاحب ریاض می‌توان به وسیله استقراء در برخی از مواقع به کشف احکام شریعت پرداخت.

نتیجه

آنچه که از مجموع مباحث بیان شده دریافت می‌گردد این است که استقراء به معنی جستجوی تام در احکام شریعت اگرچه برحسب قاعده کلی در مباحث اصولی امر قابل اعتمادی دیده نشده است اما وقتی که به صورت استقراء تام در آینده جای هرگونه شک و شبهه ای زائل می‌گردد و طبیعتاً همان‌گونه که در مثال‌های گفته شده دریافت می‌گردد می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های کشف احکام شریعت مورد استفاده قرار گیرد که البته این تنها ابزار برای دریافت و کشف احکام شریعت می‌باشد و خود به عنوان یک دلیل مستقل نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع:

- ۱- آشتیانی، (۱۴۰۴)، کتاب القضاء، قم، دارالهجره.
- ۲- حرانی، شیخ یوسف، (۱۳۶۳)، **حدایق الناظره**، قم، جامعه مدرسین.
- ۳- البروجردی، بهاء الدین، (۱۴۱۲)، **الحاشیة علی کفایة الاصول**، قم، موسسه انصاریان.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۵)، **لغتنامه**، چاپ تهران.
- ۵- الزبیدی، تاج العروس، (۱۹۹۵)، **مکتبه الحیات**، بیروت.
- ۶- الشهید الثانی، زین الدین، (۱۴۱۵)، **مسالک الافهام**، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ۷- الشهید الثانی، زین الدین، (۱۳۱۳)، **رساله فی میراث الزوجه**، نشر قم.
- ۸- الشیخ الانصاری، المرتضی، (۱۴۲۵)، **کتاب الطهارت**، موسسه الهادی قم.
- ۹- الفیاض، محمد اسحاق، (۱۴۱۰)، **محاضرات فی اصول الفقه**، قم، دارالهادی.
- ۱۰- الصدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۶)، **دروس فی علم الاصول**، دارالکتاب بیروت.
- ۱۱- المحقق الحلّی، نجم الدین، (۱۴۱۳)، **الرسائل التسع**، قم، مکتبه آیت الله نجفی مرعشی.
- ۱۲- میرزا القمی، ابو القاسم، (بی تا)، **قوانین الاصول**، چاپ سنگی.
- ۱۳- النجفی، محمد حسن، (۱۲۶۷)، **جواهر الکلام**، قم، دارلکتب الاسلامیه.
- ۱۴- النراقی، احمد بن محمد، (۱۳۶۹)، **مستند الشیعه**، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۵- همدانی، آقا رضا، (بی تا)، **مصباح الفقیه**، چاپ سنگی.